

۱۳۴۸۵۴۴.
۹۴ / ۹ / ۶۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

داستانهای شاهنامه‌ی فردوسی

به نظم و نثر ساده و روان

گلستان شعر و ادب فارسی

(۵۰)

ویراست دوم

به کوشش

عباس یزدی

انتشارات فرهنگ دانشجو

سرشناسه: یزدی، عباس، بهمن ۱۳۳۰، اقتباس کننده.
عنوان و پدید آور: داستان های شاهنامه فردوسی / به کوشش عباس یزدی.
مشخصات نشر: تهران، فرهنگ دانشجو، ۱۳۹۴، ۲۴۸ ص
فروست: گلستان شعر و ادب فارسی، (۵۰)
موضوع: داستان های فارسی، داستان های حماسی
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۶۹-۰
شناسه افزوده: فردوسی ابوالقاسم ۴۱۶-۳۲۹ ق شاهنامه.
رده بندی دیویی: ۸۷۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۱۴۸۱۹

انتشارات فرهنگ دانشجو

عنوان : داستان های شاهنامه ی فردوسی
بکوشش : عباس یزدی
ویراستار : فرشید یزدی
ناشر : انتشارات فرهنگ دانشجو
طرح جلد : فرشاد
چاپ : دیجیتال نسیم
نوبت چاپ : اول / ۱۳۹۴
شمارگان : ۱۰۰۰ جلد
بها : ۱۸۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش: انتشارات فرهنگ دانشجو، خیابان انقلاب، خیابان بهار، برج بهار

طبقه ی پنجم، واحد ۵۹۹

تلفن: ۰۹۱۲۳۱۳۷۵۹۵ - ۷۷۶۱۶۴۸۲ - ۷۷۶۱۶۳۵۱

فکس: ۸۸۷۳۳۴۲۱۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۶۹-۰

ISBN 978-964-8479-69-0

فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار
۱	زندگی نامه‌ی فردوسی
۶	در آفرینش انسان
۷	در لزوم دینداری و نیکوکاری
۸	در وصف آسمان و خورشید
۱۱	در خصوص وصف مناظر طبیعی چنین سروده است:
۱۱	در وصف طلوع و غروب
۱۳	آغاز شاهنامه
۱۳	در ستایش خرد
۱۴	ستایش پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام
۱۵	اندرزهایی از شاهنامه‌ی فردوسی
۱۷	رثای فردوسی بر مرگ فرزندش
۱۸	در وصف شاهنامه
۱۹	داستانهای شاهنامه به نثر
۱۹	داستان ضحاک و فریدون
۳۳	داستان فرانک و آبتین
۴۳	داستان ضحاک با کاوه آهنگر
۵۵	داستان ایرج
۷۳	داستان زال و سیمرغ
۸۳	داستان به دنیا آمدن رستم
۸۷	آمدن سام به دیدار رستم

عنوان

شماره صفحه

داستان هفت خوان رستم	۹۹
خوان اول	۹۹
خوان دوم	۱۰۱
خوان سوم	۱۰۳
خوان چهارم	۱۰۵
خوان پنجم	۱۰۷
خوان ششم	۱۱۰
خوان هفتم	۱۱۱
داستان ازدواج رستم و تهمنه	۱۱۳
داستان به دنیا آمدن سهراب	۱۲۳
داستان رستم و سهراب	۱۳۵
داستان رزم رستم و سهراب	۱۴۵
آگاهی یافتن مادر از کشته شدن سهراب	۱۶۵
داستان سیاوش	۱۶۸
وفات یافتن مادر سیاوش	۱۷۴
داستان عاشق شدن سودابه بر سیاوش	۱۷۶
سیاوش در آتش	۱۸۷
داستان نبرد افراسیاب	۱۹۷
خون سیاوش	۲۱۵
به زنی دادن پیران دختر خود را به سیاوش	۲۱۵
سخن گفتن پیران با سیاوش از فرنگیس (دختر افراسیاب)	۲۱۶
داستان رزم رستم و اسفندیار	۲۳۷
اندرزهایی از شاهنامه‌ی فردوسی	۲۴۱
فهرست انتشارات فرهنگ دانشجو:	۲۴۵

پیشگفتار

بنام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد
خداوند هست و خداوند نیست همه بندگانیم و ایزد یکی است

آثار ادبی ایران، باز تاب اندیشه‌ها، باورها، هنرمندی‌ها و عظمت روحی و معنوی ملت بزرگ ایران است که از دیرباز تاکنون حوادث پر فراز و نشیب بسیاری را پشت سر گذاشته و امروز بدست ما رسیده است. غنای این آثار، نشان‌دهنده‌ی تجربه‌ها، ژرف‌اندیشی‌ها و تلاش و کوشش فرزندان ادب و فرهنگ ایران و عظمت روح بلند و حقیقت‌جوی آنان است. هر برگ از ادب و فرهنگ ایران زمین، جلوه‌گاه نمایش آثار منظوم و منثور شاعران مشهوری چون فردوسی، سعدی، حافظ، نظامی، ناصر خسرو، خیام، سنایی، عطار، مولانا، جامی، سلمان ساوجی، صائب، هاتف، پروین، ایرج میرزا، بهار، الهی قمشه‌ای، دهخدا، شهریار و نویسندگانی چون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، ابوسعید ابی‌الخیر، شیخ بهایی، عین‌القضات همدانی، ابوالفضل بیهقی، غزالی، قائم مقام فراهانی و دیگران است که با کوشش فراوان خویش، آثاری باشکوه و ماندگار خلق کرده و سرمایه‌های گرانبهایی را به یادگار گذاشته‌اند که جاذبه و شیرینی این آثار هر صاحب دلی را مست و مسحور می‌کند و این شعر دلنشین مولانا را در گوش جان زمزمه می‌کند که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

مطالعه‌ی این آثار، نه تنها جان را طراوت و شادابی می‌بخشد، بلکه روح را به پرواز در می‌آورد و ذهن انسان را خلاق و شکوفامی‌سازد. در نتیجه انسان به زندگی و آینده‌ی بهتر امیدوار می‌شود. چرا که هر بیت از این اشعار که الهام گرفته از کلام خدا و بیانات معصومین علیهم‌السلام می‌باشد، درسی است برای امید، زندگی و گامی به سوی عشق. عشقی که بنیان هستی و آفرینش انسان بر آن نهاده شده است و به قول حضرت مولانا رحمه‌الله:

هرچه گویم عشق را شرح و بیان چون به عشق آیم، خجل باشم از آن
شرح عشق را از من بگویم بر دوام صد قیامت بگذرد و آن ناتمام

* * *

و یا خواجه حافظ شیرازی که چه شیرین سروده است:

در ازل پرتوِ حُسنِت ز تجلیِ دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
جلوه‌ای کرد رُخت، دید ملک تاب نداشت عین آتش شد ازین غیرت و بر آدم زد

* * *

و چه خوش گفته حکیم نظامی گنجوی که انسان بدون عشق افسرده و بی جان است:

اگر بی عشق بودی جانِ عالم که بودی زنده در دورانِ عالم؟
کسی کز عشق خالی شد فسرده است گُرش صد جان بود، بی عشق مرده است

ز سوز عشق خوش تر در جهان نیست

که بی او گُل نخندید، ابر نگریست

و فیض کاشانی معتقد است که:

خدا از عشق کرد آغازِ عالم نبی از عشق جُست انجامِ معراج
و سلمان ساوجی چنین گفته است

مستی و عشق از ازل، پیشه و آیین ماست دین من این است و یس، کیست که در دین ماست

* * *

وحشی بافقی در عشق شیرین و فرهاد چه زیبا سروده است:

صفات عشق را اندازه‌ای نیست کجا کز عشق حرف تازه‌ای نیست
خواص عشق بسیار است، بسیار جهان را عشق در کار است، در کار

* * *

حکیم عمر خیّام نیشابوری زندگی خالی از عشق را حتی برای یک روز هم ضایع می‌داند:

افسوس بر آن دل که در آن سوزی نیست سودا زده‌ی مهرِ دل افروزی نیست
روزی که تویی عشق به سر خواهی بُرد ضایع‌تر از آن روز تو را روزی نیست

* * *

سرانجام وصال شیرازی در ادامه مثنوی شیرین و فرهاد در ستایش معرفت و مقام عشق
چنین نغمه سرایی کرده است:

کسی کش دیده بر خُم یا سبو نیست و را در وحدت می گفتگو نیست
به جام و شیشه کی پابست گردد ز هر جامی خورد سرمست گردد
اگر گوش تو بر اسرار عشق است همه گفتارها گفتار عشق است

* * *

اکنون خدای بزرگ را شاکرم که این توفیق را به من داد تا قطره‌ای از دریای بی‌کران آثار
این بزرگان را در اختیار علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی قرار دهم.

الهی، گر سیه شد نامه‌ی من خطا افتاد خط و خامه‌ی من
خطای من مبین و در عطا کوش گرم کن، پرده بر روی خطاپوش

* * *

« آذر ماه ۱۳۹۴، عباس یزدی »